معلم خوب به شاگردش افق دید می‌دهد

معلم مانند پدر و مادر و در برخی موارد بیش از آنها در زندگی ما تاثیر گذار است. در این مجال، قصد این است تا دو خاطره درباره تأثیر معلمانم بیان کنم. یکی از این خاطرات مربوط به کسی نیست جز استاد «فریدون شهبازیان» که در تمام سال‌های آموزش، مرا مدیون خود کرده است. هنوز که هنوز است لطف‌های او را به یاد دارم و تا همیشه سپاسگزار او خواهم بود. خاطره‌ام مربوط به زمانی است که سن و سالم کم بود. آن‌قدر کم که شاید اگر اکنون اتفاق مشابهی برای من یا یک نوازنده جوان بیفتد، دیگر جواب او را هم ندهم. شهبازیان کارهای مرا با عشق و علاقه می‌شنید و حتی برای کمک کردن به من پولش دست می‌گرفت...

۱۲
در صفحه ۱۲ بخوانید...

■ عاشق تعداد پنجره‌های دنیا شده‌ام | علی دهقان
■ رضایت قبل از خواب | علی لک‌پوریان
■ زن‌های محافظت شده | بر شی از کتاب «حتی وقتی می‌خندیم»
■ و...

پرونده‌ای درباره مفهوم فرصت برابر و امکان‌های بهتر زیستن بخش اول

حلبی آباد و کمی آنسوتر

عکس: خبرگزاری ایرنا

در صفحه ۱۱ بخوانید...

فردا جمعه است

به لیست انتظار زنجیره امید سر بزنید

یکی مانده به آخر

یادداشتی بر مهم‌ترین خبر اجتماعی هفته

احیای دایمی زاینده‌رود و دریاچه ارومیه شاید ۱۰ سال دیگر

از درون

درباره اقدامات اخیر وزیر بهداشت و بازتاب‌های اجتماعی آن

وزیری که رنگ و بوی سیاست نگرفته است

جهان دوم

در ستایش شایعه

دیافراگم

به تیترها نگاهی بینداز

نابرابری فرصت‌ها به دلیل رانت سیستمی است

سالار مرادی
نایب‌رئیس کمیسیون اجتماعی

برابری فرصت‌ها به معنای بهره‌مندی از حقوق برابر اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی برای تمام افراد یک جامعه است تا با بهره‌مندی از این حقوق مساوی، شاخصه‌های توسعه‌یافتگی در آن جامعه فراهم شود.

برای رسیدن به جایگاه‌های مناسب توسعه‌یافتگی، اسناد بالادستی که شامل قانون اساسی است، به روشنی وظایف و راه‌های رسیدن به آن را برای مجریان به تفصیل مشخص کرده است. در این قوانین طبق اصول حقوق مدنی و شهروندی(۱۳-۱۵-۱۸-۱۹) به برابری فرصت‌ها در تمامی حوزه‌ها برای تمامی افراد تابع آن جامعه اشاره شده است.

براساس مفاد قانونی، بسترهای این برابری‌ها به‌خصوص در بخش اقتصادی که زیربنای توسعه‌یافتگی و شکل‌دهی بسترهای اجتماعی خواهد بود، با ایجاد زمینه‌های مناسب تولید و همچنین رفاه اجتماعی فراهم می‌شود، باید تمامی شهروندان در شرایط برابر با هم از تمامی امکانات و ثروت آن کشور صرف‌نظر از قومیت، نژاد و مذهب بهره‌مند شوند. بر این اساس مسئولان باید با توجه به اعتبارات، منابع و امکاناتی که در اختیار آنها قرار دارد، شرایط اقتصادی برابر را برای تمامی ایرانی‌ها فراهم ساخته و مردم در رفاه نسبی با داشتن درآمد سرانه‌ای مناسب، خدمات رفاهی و عمومی مفید و دسترسی به آموزش و بهره‌مندی از نظام برابر اجتماعی به‌سر ببرند. خوشبختانه ایران دارای منابع غنی زمینی و زیرزمینی و همچنین نیروی انسانی جوانی است که تمامی این پارامترها برای توسعه‌یافتگی و رشد یک کشور در عصر مدرن کفایت می‌کند. اما در حال حاضر احساس نابرابری اقتصادی و اجتماعی و معضل بیکاری جوان‌ها در بسیاری از استان‌های محروم وجود داشته و این افکار در میان مردم موج می‌زند که این فرصت‌ها تنها برای خواص است. زیرا با دیدن رانت‌ها و فسادهای متعدد اقتصادی که گروه‌های نزدیک به قدرت زمینه‌ساز آن بوده‌اند، شرایط برابر کسب موقعیت اقتصادی و اجتماعی در صورتی امکان‌پذیر شده است که به لایه‌های قدرت نزدیکتر باشند و این رفتار برای مردم اصلا قابل پذیرش نیست و همواره مطالبات اصلی مردم از مسئولان مقابله با رانت‌خواران و فرصت‌طلبانی است که به دلایل مختلف، از زیر جرم‌های خود فرار کرده‌اند و پاسخگوی عملکرد خود به قانون و مردم نبوده‌اند. مهم‌ترین مسأله‌ای که ممکن است اقتدار و مشروعیت نظام را تحت تأثیر قرار دهد و هزینه‌های آن را بالا ببرد، بی‌توجهی به تأمین حقوق عمومی و حقوق شهروندی، حقوق زنان و کودکان و همچنین حقوق اقوام، مذاهب و نژادهای مختلفی است که در ایران و در زیر پرچم جمهوری اسلامی ایران زندگی می‌کنند و در محافل بین‌المللی و منطقه‌ای متاسفانه اخبار خوبی از سوی شبکه‌های خبری آنها در این زمینه منتشر نمی‌شود. زیرا آنها معتقدند، شرایط زندگی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی برای این طیف‌ها به‌خصوص غیرمسلمان‌ها مناسب نبوده و آنها در محدودیت فردی و گروهی به‌سر می‌برند و شرایط اجتماعی و حتی سیاسی برابر با سایر بین‌ندارند و حقوق آنها پایمال می‌شود.

> **برای رسیدن به شرایط برابر در تمامی حوزه‌ها باید، جواعتمادسازی از سوی دولتمردان در جامعه فراهم شود و در صورتی که از حضور نخبگان مطرح بخش‌های مختلف برای بررسی و تحلیل معضلات بهره‌برداری شود، موقعیت دولت برای بازسازی فضای ایجاد شده به‌خصوص در بخش اقتصادی و اجتماعی خواهند آمد.**

این واقعیت وجود دارد که تمام مسئولان ارشد نظام به این امر معتقدند که هر ایرانی به دور از اعتقادات و نژاد و قومیت، باید بطور برابر از فرصت‌های مساوی در تمامی حوزه‌ها برخوردار باشند، اما برای رسیدن به این هدف، متاسفانه دستگاه‌های مجری قانون با این راهبرد به خوبی همسو نبوده و در بعضی جاها رانت‌ها و پارتی‌بازی و رابطه‌های فامیلی جایگزین اصول اداری و منطقی سازمانی شده است و این فرهنگ در میان عموم جا افتاده که برای رسیدن به فرصت‌ها، باید دنبال دادن رشوه و یافتن رانت‌هایی باشند که آنها را از مسیرهای میانبر به مقاصدشان برساند. این به سوءمدیریت و بی‌توجهی به فساد اداری، مالی در دستگاه‌های مختلف بازمی‌گردد که متاسفانه در این چندسال نهادینه شده است. در صورتی که این رفتارها باید از سوی ناظران و ضابطان قانونی به‌شدت و به‌دور از هر نوع گرایش و سمت‌وسویی برخورد شود تا ریشه‌های آن به‌طور کلی برچیده شود.

در حال حاضر فساد اداری و نحوه برخورد با مردم در سازمان‌های دولتی خوب نبوده و ما شکایت‌های متعددی در این زمینه داریم، این امر نشان دهنده، نابرابری فرصت‌ها برای افرادی است که رابطه یا مناسبت فامیلی با برخی نداشته و نمی‌توانند به حقوق خود دست یابند.

برای رسیدن به شرایط برابر در تمامی حوزه‌ها باید، جواعتمادسازی از سوی دولتمردان در جامعه فراهم شود و در صورتی که از حضور نخبگان مطرح بخش‌های مختلف برای بررسی و تحلیل معضلات بهره‌برداری شود، موقعیت دولت برای مقابله با نابرابری‌ها و ایجاد فرصت‌های برابر فراهم شده و مردم با رویکردی جدید به کمک دولت برای بازسازی فضای ایجاد شده به‌خصوص در بخش اقتصادی و اجتماعی خواهند آمد.

متاسفانه نحوه برخورد با عاملان و مجریان فساد در حوزه‌های مختلف به طنزی تبدیل شده که نشان‌دهنده کم‌کاری مسئولان است، اما باید بدانیم هیچ‌گاه مردم دست از مطالبات خود برای رسیدن به برابری‌ها در حوزه‌های مختلف به‌خصوص بخش‌های اقتصادی که مهم‌ترین موضوع کلان نظام است، برنداشته و همواره خواستار تغییر رویه برای بهبود شرایط هستند. همچنین با فرهنگ‌سازی و تغییر رویه در مدیریت حوزه‌های اجتماعی که باید حقوق تک‌تک افراد به خوبی تأمین شود، می‌توان اخبار سوء را خنثی کرد.

برابری فرصت‌ها وجود خارجی ندارد

مصطفی اقلیما
رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی

فرصت برابر در جامعه، شکلی از عدالت است، به این معنا که فرصت حضور یک فرد از اجتماع در زمینه مورد نظرش با دیگر افراد یکسان باشد و تبعیضی در این زمینه وجود نداشته باشد.

باید به این موضوع هم توجه کرد، زمانی از برابری فرصت‌ها بحث می‌شود که اساسا فرصتی وجود داشته باشد. مثالی که برای برابری فرصت‌ها می‌توان آورد، مسأله اشتغال و تخصص کاری است. وقتی در اصفهان، شیراز یا هر جای دیگر، اعلام می‌شود که می‌خواهند ۶ روانشناس استخدام کنند؛ بالغ بر چندهزار نفر شرکت می‌کنند که هرکدام لیسانس روانشناسی خود را از دانشگاه‌های مختلف اخذ کرده‌اند؛ اما نتیجه نهایی این است که آن ۶ نفر با درگیری‌های زیاد از بین نزدیکان افراد ذینفوذ، انتخاب می‌شوند. در چنین وضعی فرصت اشتغال برای افراد مختلف یکسان نبوده است.

بر این اساس، برابری فرصت‌ها یعنی این‌که وقتی برای یک فرصت شغلی اعلام نیاز می‌شود، با معیاری درست (مانند آزمون)، افرادی انتخاب شوند که دانش و تجربه و تخصص بیشتر دارند. متاسفانه در جامعه ما چنین شرایطی حاکم نیست، نه‌تنها در فرصت‌های شغلی، برابری فرصت‌ها نداریم، بلکه برای مدیران هم نابرابری فرصت‌ها را شاهد هستیم؛ یعنی یک مدیر، براساس شایستگی‌اش انتخاب نمی‌شود. شایسته‌سالاری و پاسخگویی توصیه همیشگی رهبر کشور ما به همه رؤسای جمهوری بوده است اما متاسفانه برابری فرصت‌ها که همان شایسته‌سالاری است، در کمتر جایی دیده می‌شود؛ و گرنه برای استخدام به سفارش و رابطه دیگران نیازی نبود و در مقابل تخصص و کارایی فرد در نظر گرفته می‌شد. در بیمارستان‌های ما، حتی یک مدیر وجود ندارد که رشته‌اش مدیریت باشد، همه پزشک عمومی هستند.

به همین شکل هم در ادارات و سازمان‌های دیگر شاهد هستیم که کسی که لیسانس دارد در جایگاهی مشغول به کار است که باید دکترا داشت. این سخن درست است که بگوییم، اگر در جامعه‌ای فرصت‌ها برای همه یکسان باشد، آن جامعه در مسیر توسعه و پیشرفت قرار خواهد گرفت و خلاقیت و استعداد افراد ظهور پیدا می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت

وقتی که پول حرف اول و آخر را می‌زند

نیره توکلی
جامعه‌شناس شهری

به‌طور کلی می‌توان گفت وقتی تبعیض‌های نژادی، جنسیتی، قومی و مذهبی در جامعه‌ای وجود نداشته باشد، در واقع گام اول برابری فرصت‌ها برای همه افراد برداشته می‌شود. این تبعیض‌ها در دنیا شناخته‌شده است؛ تبعیض‌های نژادی، قومی و طبقاتی از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شوند و هنگامی که جامعه‌ای با چنین معضل‌هایی روبه‌رو شود، نمی‌تواند زمینه‌های فرصت‌های برابر را برای همه مردم فراهم سازد. ما باید ببینیم با این ملاک‌ها چقدر امکانات برابر می‌تواند ایجاد کند؛ در واقع باید شاخص‌های هر مولفه را در نظر بگیریم و بسنجیم که چه سطحی از هر کدام را می‌توان برابری و تعادل در برخورداری از فرصت‌ها تلقی کرد. یکی دیگر از ملاک‌های مهم اجتماعی، فاکتور فیزیولوژیک است؛ به این معنی که همه افراد با هر مشخصه بدنی بتوانند از امکانات و تسهیلات رفاهی بهره‌مند باشند؛ با این حال در جامعه‌ای که نتوانیم برای معلولان، سالمندان و کودکان فضای جامعه را طوری مناسب‌سازی کنیم که این افراد از نظر حرکت و جابه‌جا شدن هیچ مشکلی در سطح شهرها نداشته باشند و در عین حال بتوانند از فرصت‌های شغلی و اقتصادی هم به اندازه افراد سالم بهره‌مند شوند، نمی‌توانیم مدعی برابری فرصت‌ها باشیم. برابری فرصت‌ها از همین زیرساخت‌ها شروع می‌شود و در مسیر زندگی از نظر تحصیلی، منزلتی، شغلی و اقتصادی و تصمیم‌گیری در حوزه‌های مدنی تأثیر می‌گذارد.

> **ما شاهد مالکیت خصوصی متملکان مالی و کسانی هستیم که سرمایه و پول را در اختیار دارند؛ یعنی همه چیز از امکانات رفت و آمد گرفته تا برخورداری از فضاهای سبز بیشتر و بهتر، در انحصار کسانی است که پولدارتر هستند**

شاخص‌های برابری فرصت‌ها در واقع در قوانین حقوقی و اجتماعی تصمیم‌گیری‌های شهری متبلور می‌شود؛ باید ببینیم چه کاستی‌هایی در این مسیر داریم؛ بعد از شناختن کمبودها باید برای برطرف کردن و پر کردن خلأها برنامه‌ریزی کنیم. در سطح شهر امروز ما شاهد مالکیت خصوصی متملکان مالی و کسانی هستیم که سرمایه و پول را در اختیار دارند؛ یعنی همه‌چیز از امکانات رفت و آمد گرفته تا برخورداری از فضاهای سبز بیشتر و بهتر، در انحصار کسانی است که پولدارتر هستند؛ اینها کسانی هستند که حقوق شهروندان کم‌درآمدتر را هم به نوعی می‌بلعند. اگر سری به شمال شهر تهران بزنیم، متوجه می‌شویم که همه‌جا برج‌های سر به فلک کشیده احاطه شده و ساختمان‌های درحال احداثی دیده می‌شود که به قیمت از بین رفتن تمام امکانات برای مردم عادی که توانایی سرمایه‌گذاری‌های کلان را ندارند، بالا می‌روند. پیاده‌روها هر روز با ساخت‌وسازهای بی‌رویه تنگ‌تر می‌شوند و عبور و مرور را برای مردم سخت می‌کنند؛ هیچ کنترلی بر این رویه وجود ندارد؛ به نظر مهم‌ترین فاجعه‌ای که در حوزه شهری می‌توان به آن اشاره کرد، همین است. درواقع در فضای شهری مثل تهران هیچ‌کاری غیرممکن نیست. شهرداری اجازه هر ساخت‌وسازی را می‌دهد اگر هم مشکلی وجود داشته باشد، جریمه‌اش را می‌گیرند بدون این که تراکم جمعیتی و موقعیت‌های کوچه‌ها و خیابان‌ها را در نظر بگیرند. اجازه ساخت‌وساز در هر کوچه‌ای با هر پهنایی داده می‌شود؛ بدون این که شرایط دیگر ساکنان منطقه را در نظر بگیرند؛ حتی در مدت زمانی که برای ساخت‌وساز داده می‌شود، نظارتی وجود ندارد، معابر را اشغال می‌کنند و آلودگی هوایی و صوتی ایجاد می‌کنند. در کل فضاهای شهری به نفع کسانی است که در حوزه مستقلات سرمایه‌گذاری می‌کنند و همین می‌شود که هر کسی پول دارد می‌تواند از امکانات و محورهای لازم برخوردار شود. در حوزه‌های محیط‌زیست هم همین معضل است؛ متاسفانه جامعه ما امروز طوری است که پول، حرف اول و آخر را می‌زند، دریای خزر در معرض خطر قرار دارد چون مالکان خصوصی بخش‌هایی از آن را به نام خود سند می‌زنند؛ یا مرداب انزلی که یک منطقه ملی است را به راحتی می‌فروشند به افراد سرمایه‌دار و به اسم آنها سند می‌زنند.

ادامه در صفحه ۱۰